



چگونه نوستالژی پروری
سینمای ایران و روایت هایش را بلعید؟
**گم شدن
در تونل زمان**

شهادت جانگداز سبط اکبر حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام را تسلیت می گویم

۱۳۰۰ سال و ۳۴۲ روز گذشت |

وطن امروز

روزنامه صبح ایران

آموزش های غلط فرزند پروری در فضای مجازی
و تبعات آن در زندگی واقعی مخاطبان

مارکتینگ

مافلوئنسرها



پنجشنبه ۹ مرداد ۱۴۰۴ | ۶ صفر ۱۴۴۷ | ۳۱ جولای ۲۰۲۵ | سال هفدهم | شماره ۸۲۳۷۸ | صفحه ۱۰۰۰۰ | تومان

تیتراهای امر وز



قابلیاف در اجلاس رؤسای مجالس جهان
تصویر رایان ۲ ماهه را که در جنگ تحمیلی ۱۲ روزه
به شهادت رسید، در دست گرفت

سند کودک کشی صهیونی

پس از شکست رژیم صهیونیستی در تحریک مردم
ایران علیه نظام، نیوزویک از طرح این رژیم برای
راه اندازی جنگ داخلی در ایران خبر داد

ترکیب ترور و تجزیه

لایحه حذف ۴ صفر از پول ملی توسط کمیسیون
اقتصادی مجلس شورای اسلامی تصویب شد

ریال در مسیر اعتبار

۳۱۳۵
ضمیمه طنز
زادان

چه می‌کنه فرانچسکو!

هشدار به دولت
حول ادامه سیاست های اقتصای

خفگی اقتصاد

نگاه
محمد طاهر رحیمی

یکی از مهم ترین چالش های اقتصاد ایران در
سال های اخیر، عدم تناسب بین رشد نقدینگی
و رشد اسمی تولید ناخالص داخلی است. این
عدم تناسب نه تنها باعث اختلال در عملکرد
اقتصاد بلکه منجر به انقباض شدید فعالیت های
اقتصادی و تشدید رکود نیز شده است. در این
گزارش رصدی - تحلیلی، ابعاد مختلف این مساله
و پیامدهای آن بر بخش های مختلف اقتصاد ایران
بررسی می شود.

■ **درک مفاهیم پایه: متغیرهای اسمی و حقیقی**
برای فهم عمیق تر موضوع، ابتدا باید تفاوت بین
متغیرهای اسمی و حقیقی را درک کنیم. متغیر
اسمی همان عددی است که بدون در نظرگیری
تأثیر تورم محاسبه می شود. به عبارت ساده تر، این
عدد با قیمت های جاری محاسبه و تأثیر افزایش
قیمت ها در آن دیده می شود. در مقابل، متغیر
حقیقی عددی است که پس از حذف تأثیر تورم
محاسبه می شود. این متغیر قدرت خرید واقعی
و ارزش حقیقی را نشان می دهد. برای مثال،
اگر حقوق یک کارگر از سال گذشته ۲۰ درصد
افزایش یافته باشد، این رشد، رشد اسمی است
اما اگر در همین مدت تورم ۴۰ درصد بوده باشد،
در واقع قدرت خرید آن کارگر ۱۰ درصد کاهش
یافته است، یعنی رشد حقیقی حقوق کارگر منفی
۱۰ درصد بوده است.

■ **تعریف و اهمیت نقدینگی حقیقی**
نقدینگی حقیقی به مقدار پول و دارایی های
نقد و شبه نقد موجود در اقتصاد گفته می شود
که قدرت خرید واقعی آن پس از حذف تأثیر
تورم محاسبه شده باشد. این متغیر نشان دهنده
میزان قدرت خرید واقعی پول در دست مردم و
بنگاهلست.

برای مثال، فرض کنید ابتدای سال ۱۴۰۲،
فردی یک میلیون تومان پول نقد داشت که با
آن می توانست ۱۰ کیلو گوشت بخرد. اگر تا پایان
سال، مقدار پول او به ۱.۲ میلیون تومان افزایش
یافت (رشد اسمی ۲۰ درصد) اما قیمت گوشت
۵۰ درصد افزایش پیدا کرد، اکنون او تنها می تواند
۸ کیلو گوشت بخرد. در این صورت، نقدینگی
اسمی او ۲۰ درصد افزایش یافته اما نقدینگی
حقیقی اش ۲۰ درصد کاهش پیدا کرده است.
آنچه در تحلیل اقتصادی اهمیت دارد، رشد
حقیقی نقدینگی است نه رشد اسمی آن، زیرا
رشد حقیقی نقدینگی است که تعیین می کند
مردم و بنگاه ها چه میزان قدرت خرید واقعی در
اختیار دارند تا چه میزان می توانند به فعالیت های
اقتصادی بپردازند.

ادامه در صفحه ۳

جنایت جدید رژیم صهیونیستی در غزه
تجمعات جهانی علیه این رژیم آپارتاید را به دنبال داشت

موج جهانی فلسطین



مقابله با آتارشی دیجیتال: سپری برای امنیت ملی

جهت اطلاع آقای پزشکيان

این خود شهروندان، نخبگان، کارآفرینان، هنرمندان و
چهره های شناخته شده اجتماعی (سلبریتی ها) هستند
که زندگی شخصی، اعتبار حرفه ای و آرامش روانی شان
با یک شایعه بی اساس فرومی پاشد. آیا حفاظت از حریم
خصوصی یک ورزشکار ملی، یک فعال اقتصاد یا یک
استاد دانشگاه در برابر تهمت های بی شرمانه، جزو حقوق
شهروندی نیست؟ آیا مقابله با شبکه هایی که با جعل و
دروغ، اعتماد عمومی به یک پزشک یا یک برند معتبر
ایرانی را از بین می برند، به نفع جامعه نیست؟ قانونی
که مانع انتشار اخبار کذب می شود، در وهله اول، سپری
برای حفاظت از آبرو و حیثیت تک تک شهروندان ایرانی
است. این قانون، قرار است امنیت روانی و اجتماعی را
برای همه فراهم کند، از یک نوجوان در کنج اتاقش که
هدف قلدری مجازی قرار گرفته تا یک مدیر دولتی که
با اخبار دروغین درباره عملکردش، تخریب می شود.

قاعدا تا مرز زندگی میان نقد و تخریب باید شفاف باشد و
این وظیفه حقوق دانان و قانون گذاران است که با استفاده
از عبارات دقیق و غیر مبهم، این تمایز را در متن قانون
تضمین کنند. نقد، مبتنی بر واقعیت و استدلال است،
حتی اگر تلخ و گزنده باشد اما دروغ پراکنی و انتشار
شایعه های مخرب، مرز بین نقد و تخریب را می کشد. این دو، از یک جنس
نیستند. یک نظام حقوقی سالم، نه تنها نقد را سرکوب
نمی کند، بلکه با حذف دروغ و شایعه، فضا را برای شنیده
شدن نقدهای واقعی و سازنده، بازتر و سالم تر می کند.

■ **به فکر تاب آوری ملی در برابر بمباران اطلاعاتی باشیم**

ایران امروز در شرایط جنگ ترکیبی قرار دارد و
این جنگ، صرفا در میدان های نظامی یا اقتصادی در
جریان نیست، بلکه یکی از اصلی ترین جبهه های آن،
ذهن و قلب ملت ایران است. دشمن پس از نامیدی از
ابزارهای سخت، امروز بر جنگ شناختی و جنگ روانی
سرمایه گذاری کرده و فضای مجازی، خط مقدم این نبرد
است. تجربه تلخ و کوتاه اما پرهزینه جنگ تحمیلی ۱۲
روزه بخوبی نشان داد چگونه یک خبر جعلی، یک شایعه
دهمگم را یک تحلیل مغرضانه می تواند در چند ساعت،
آرامش روانی جامعه را مخدوش کرده، صف های کاذب
در برابر فروشگاه ها و پمپ بنزین ها ایجاد کند و بدر
بی اعتمادی و وحشت را در دل مردم بکارد.

ادامه در صفحه ۲

می توان به بهانه نقد جزئیات یک لایحه، اصل یک نیاز
حیاتی برای جامعه را قربانی جنجال های سیاسی کرد.
■ **قانون مندی: ضرورت بدیهی هر زیست بوم نوین**

سما ن د ه ی و قانون مند کردن فضای مجازی،
یک ضرورت منطقی، عقلانی و غیر قابل انکار است.
باید بپذیریم دوره نگاه به اینترنت به عنوان یک ابزار
سرگرمی یا یک حاشیه فانتری در کنار زندگی واقعی به
پایان رسیده و اقتصاد، فرهنگ، سیاست، امنیت و روابط
اجتماعی ما عمیقاً با این فضا درهم تنیده است. همان طور
که در جهان واقعی، هیچ کس یلگی و رهاسدگی را
مترا د ف با آزادی نمی داند، در جهان مجازی نیز این ۲
مفهوم یکسان نیست. آزادی بیان، به معنای امکان طرح
دیدگاه های مستقل، نقدهای سازنده و گردش شفاف
اطلاعات است اما آزادی انتشار دروغ، آزادی تخریب
شخصیت و آزادی ایجاد وحشت عمومی، مفاهیمی است
که در هیچ نظام حقوقی معتبری در جهان به رسمیت
شناخته نمی شود. برخی در داخل، دانسته یا ندانسته،
به بهانه دفاع از آزادی، در حال دفاع از آتارشی دیجیتال
پر جمعیت بدون قانون، پلیس و دادگاه است؛ امری که
حقوق بنیادین همان شهروندانی را که ادعای حمایت

تصمیم اخیر دولت به دستور رئیس جمهور برای
استرداد لایحه «مقابله با محتوای خلاف واقع در
فضای مجازی» که به نظر می رسد بیش از هر چیز
حاصل فشارهای جناح اصلاح طلب و اولویت دادن به
ملاحظات سیاسی کوتاه مدت باشد، به نحوی نادیده
گرفتن ضرورت های راهبردی کشور است. البته تصویب
یا عدم تصویب یک لایحه با انتقاد از بندهایی از آن، یک
فرآیند طبیعی در نظام قانون گذاری است و بررسی دقیق
جزئیات حقوقی آن نیز بر عهده متخصصان امر است
اما در میانه هیاهوی رسانه ای، آنچه در این اقدام نباید
مغول بماند، تفکیک میان «نقد فرآیند» و «فنی اصل
ضرورت» است. فضای مجازی، امروز زیست بوم کامل
و بخشی جدایی ناپذیر از حیات فردی و اجتماعی ملت
ایران است. تسلیم شدن برابر فشارها و عقب نشینی از
قانون مند کردن این فضا، به مثابه رها کردن یک شهر
پر جمعیت بدون قانون، پلیس و دادگاه است؛ امری که
هیچ عقل سلیمی آن را برنمی تابد و نشان می دهد چگونه

یادداشت
ایلیا داوودی

از آنها را دارند، به مسلح می برد. قانون، مرز میان آزادی
و هرج و مرج را مشخص می کند. همان طور که قوانین
راهنمایی و راندگی، آزادی تردد را محدود نمی کند،
بلکه آن را برای همگان ممکن و ایمن می کند، قوانین
ناظر بر فضای مجازی نیز قرار است آزادی های مشروع
را در بستری امن و مسؤو لانه تضمین کند. مخالفت با
اصل قانون گذاری در این حوزه، به معنای اصرار بر حفظ
فضایی است که در آن، قدرت نه در دست اکثریت مردم
یا حاکمیت قانون، بلکه در اختیار سازمان یافته ترین و
بی اخلاق ترین گروه های تولید کننده محتوای دروغین
است. این یک عقب گرد خطرناک به دوران قانون جنگل
در پوششی مدرن است.

■ **قانون سپری برای همگان است، نه شمشیری علیه منتقدان**

یک کج فهمی بزرگ و البته دهمگم، القای این گزاره
است که قوانین نظارتی بر فضای مجازی، صرفا برای
حراست از نهادهای حاکمیتی و دولتی طراحی می شود.
این برداشتی ناقص و تقلیل گرایانه است. بزرگ ترین
قربانیان اخبار جعلی و کارزارهای تخریب شخصیت
(فیک نیوز) لزوماً دولت ها نیستند؛ در بسیاری موارد،
فردی که قربانی این حملات است، یک شهروند عادی است.
قوانین نظارتی بر فضای مجازی، باید شفاف باشد و
این وظیفه حقوق دانان و قانون گذاران است که با استفاده
از عبارات دقیق و غیر مبهم، این تمایز را در متن قانون
تضمین کنند. نقد، مبتنی بر واقعیت و استدلال است،
حتی اگر تلخ و گزنده باشد اما دروغ پراکنی و انتشار
شایعه های مخرب، مرز بین نقد و تخریب را می کشد. این دو، از یک جنس
نیستند. یک نظام حقوقی سالم، نه تنها نقد را سرکوب
نمی کند، بلکه با حذف دروغ و شایعه، فضا را برای شنیده
شدن نقدهای واقعی و سازنده، بازتر و سالم تر می کند.



021-92 00 00 00

www.respina.net

بدون وقفه کار کنید

پهنای باند اختصاصی رस्पина



ارتباط آموزش ها